

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ دسمبر ۲۰۲۲

تقلید میمونوار از یک بوزینه مرده!

دوشنبه- ۲۸ قوس ۱۴۰۱ - کابل: از جمله اخبار جالب امروز در نظام ملاسالار، دو خبر که از جهات معینی یک هدف را بازتاب می دهند، بیشتر توجهم را جلب نمود. آن دو خبر یکی اطلاعیه وزارت معدن و صنایع نظام ملاسالار بود که از تقرر ۲۲۵ مولوی در مربوطات آن وزارت گزارش می داد و دیگری صحبت های سرپرست وزارت تحصیلات عالی که برنامه آن وزارت را در جهت جذب مولوی ها آنها بدون آزمون جهت تدریس در پوهنخی ها به علاوه مضمون "تفاهت اسلامی" در رشته های سیاست و حقوق نیز اعلام داشت. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- وقتی برای بار نخست اصطلاح "نظام ملاسالار" را چیزی بیشتر از یک سال قبل به کار بردم، گذشته از این که با تأسف جم غفیری از نویسندگان معنا و مفهوم آن را درک نتوانستند، آنهایی که درک هم کردند به جای آن که چنان تسمیه ای را بیان واقعیت نظام بدانند، فکر کردند بدان وسیله خواسته ام گویا از تکروری و انحصار طلبی طالب انتقام بگیرم، در حالی که هدف از انتخاب چنان تسمیه ای، بیان ماهیت نظامی بود که قرار بود در آینده حاکمیت را تمثیل و اجراء نماید. یعنی نظامی که نه تنها از لحاظ ایدئولوژیک به جز قشر ملا و آخوند کس دیگری را قبول نداشتند، بلکه در زمینه های اجرائی هم تنها آخوند و ملا را شایسته اشتغال دانسته، بقیه مردم برای آنها در هیچ زمینه ای ارزش و اعتبار نداشتند.

۲- تا جایی که تاریخ گواهی می دهد در هر گوشه ای از جهان وقتی ایجاد و ساختن یک نظام جدید حاکمیتی نیاز بوده، یکی از نخستین بحث ها در مورد چگونگی انجام وظیفه، داشتن یک پاسخ روش زمان انتخاب افراد در نظر داشت "تعهد" و "تخصص" آنها بوده است.

دلیل بروز چنین بحثی در اساس پاسخدهی به این پرسش است که چگونه می توان نظام را استحکام بخشید؟ آیا برای استحکام نظام تقرر افراد متعهد به نظام مورد ضرورت است و یا عکس آن متخصصانی نیاز است تا با اجرای وظایف و از طریق فعال نگه داشتن ماشین دولتی، نظام را مستحکم بسازند.

واضح است که برخورداری و گماردن متخصص متعهد، آرزو و امتیاز بزرگ به شمار می رود، مگر با تأسف همیشه نمی تواند در دسترس باشد.

۳- تا جایی از مطالعه تاریخ ۵ دهه اخیر بر می آید، این معضل دقیقاً بعد از فاجعه ثور و گمارده شدن نوکران روس به قدرت دولتی بروز نمود. دلیل بروز چنین معضلی، بیگانه بودن و نوکر اجنبی بودن باند های خلق و پرچم از یک سو و از لحاظ کمی و کیفی ناچیز بودن آنها در مقیاس اداره یک کشوری به پهنای افغانستان بود.

این امر باعث می شد که حاکمیت خلق و پرچم از یک جانب به هیچ کسی به جز خودشان اعتماد نداشته باشند و تنها کسانی را قابل اعتماد بدانند که به مانند رهبران آن دو باند سر در آخور سویتیزم فرو برده و از آنجا ارتزاق نموده باشند، بر همین مبنی آن می کوشیدند تا تمام پستها و مقامات و حتا تمام بست های اداری از وزیر یک وزارتخانه گرفته تا پیاده و مستخدم دفتر را نیز از جمع خود مقرر نمایند. مطمئناً کسانی که به نسل پیشتر از من تعلق دارند سخنان "نورمحمدتره کی" را که زمانی گفته بود، "از رئیس دولت تا پیاده دفتر و از قومندان اعلی تا سرباز همه خلقی هستیم" به خاطر دارند.

این سیاست زمانی به مشکل برخورد که از یک جانب تعداد افراد متعلق به هر دو باند نتوانست جوابگوی نیازمندیهای اداری حاکمیت باشد و از جانب دیگر، تخصص مطلقاً نادیده گرفته شد. آنها به ضرب المثل پرمفهوم زبان پشتو که گوید "ترکانی د بیزو کار نه دی" کمترین توجهی مبذول نداشته، تاریخ نشان داد که آنها با مقرر نمودن صد ها "بیزو" در پست های "ترکانی" چه عاقبت دردناک مگر سزاواری را بر آنها رقم زدند.

۴- وقتی به مقرری های امروز در نظام ملاسالار نظر انداخته می شود، دیده می شود که آنها هم نه تنها در عین معضل قرار دارند، بلکه آگاهانه و یا هم نا آگاهانه در همان مسیری حرکت می نمایند و میمونوار به تقلید از بوئزینه مرده "تره کی" مشغول اند که در زمانش مزدوران روس با زیر پای نمودن ضرب المثل "ترکانی در بیزو کار نه دی"، ماشین دولتی حاضر و آماده میراث برده از خاندان طلالی را در اسرع وقت نابود نمودند.

هموطنان گرامی!

به خصوص آنهایی که از مقرریها سخت ناراحت اند و یا آن را توهین به خود، توهین به علم و دانش و توهین به مردم می دانند، به نظر من از این مقرری ها ننتها نباید ناراحت باشند، بلکه اگر خواستار سقوط و سرنگونی این نظام هستند می باید از اتخاذ چنین تصامیمی علی رغم فشارهایی که اکنون خلق می نماید، خوشحال نیز گردند. زیرا واضح است که نتیجه چنین مقرری هائی، به علاوه آن که نظام ملاسالار را بیشتر از پیش از مردم تجرید و به آماج نفرت مردم مبدل می سازد، ماشین دولتی را نیز از پایه و اساس ویران نموده، نتیجه اش چیزی به جز سرنوشت همان بوزینه ای که اره کشی می نمود، نخواهد شد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!